

۱- صادرات و الگوی توسعه:

اقتصاد کشور و نقش صادرات غیر نفتی در آن

ارزیابی کارشناسانه صرفاً از نقش صادرات در توسعه اقتصادی و صنعتی کشور و یا توجیه سیاستی برای بهبود وضع درآمدهای ارزی و اقتصاد کشور در جهت تشویق صادرات و یا حمایت از تولید داخلی و جانشینی واردات، نیاز به شناختی هرچند کوتاه از اوضاع کلی طبیعی و اقتصادی کشور و بویژه رونق بازرگانی خارجی آن دارد.

مساحت کشور حدود ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع است و جمعیت آن بر طبق سرشماری ۱۳۶۵ هـ. ش حدود ۵۰ میلیون نفر میباشد. بیش از ۵۲ درصد جمعیت کشور شهرنشین و بقیه آن اساساً روستا نشین میباشد. درآمد سرانه کشور در سال ۱۹۸۴ حدود ۳۷۴۷ دلار بوده است. جمعیت کشور متمایل به شهرنشینی بیشتر است. اما هنوز بلحاظ ترکیب اشتغال، کشاورزی در روستاها بخش عظیمی از جمعیت کشور را بخود اختصاص داده است. ترکیب اشتغال در بخشهای مختلف اقتصادی در مقاطع زمانی بشرح ذیل میباشد:

درصد اشتغال در بخشهای عمده اقتصادی

بخش	(۱) ۱۳۴۵	(۲) ۱۳۵۵	(۳) ۱۳۶۳
کشاورزی	۴۶/۶	۳۴	۳۳/۰

۳۱/۳	۳۴/۲	۲۵/۹	صنایع و معادن
(۱۹/۲)	(۲۰/۰)	(۰۰۰)	- صنعت و معدن
(۱/۰)	(۰/۲)	(۰۰۰)	- برق و آب و گاز
(۱۰/۶)	(۱۳/۵)	(۰۰۰)	- ساختمان
۳۵/۷	۳۰/۹	۲۷/۵	خدمات
۱۰۰/۰	۹۹/۱	۱۰۰/۰	جمع فعالیت‌های مذکور
۰	۰/۹	۰/۰	نا مشخص
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع کل

مأخذ: ۱- محمدعلیزاده، مقدمه‌ای بر مسایل نیروی انسانی و اشتغال ایران (تهران: برنامه و بودجه، ۱۳۶۱)، ص ۴۲. برای آمار سال ۱۳۴۵.

۲- سازمان برنامه و بودجه، اشتغال و بیکاری در ایران ۱۳۵۹-۱۳۵۵، (تهران: برنامه و بودجه ۱۳۶۱)، ص ۱۱ الف (مأخذ اصلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵). برای آمار سال ۱۳۵۵.

۳- سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان، بررسی مقدماتی مسأله اشتغال و بیکاری (اصفهان: برنامه و بودجه، ۱۳۶۲)، ص ۲۸. برای آمار سال ۱۳۶۲.

سهم بخش‌های اقتصادی مذکور در تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۶۳ بقیمت‌های جاری بشرح ذیل می‌باشد:

سهم بخش‌های اقتصادی در تولید ناخالص داخلی

بخش	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۳
کشاورزی	۲۴/۴	۸/۵	۱۷/۰
نفت	۱۶/۰	۳۶/۶	۱۰/۳
صنایع و معادن	۱۵/۴	۱۸/۵	۱۷/۴

* تفاوت جمع ستون سهم بخشها با عدد ۱۰۰، درصدسهم کارمزد احتسابی است . که برای سالهای مزبور به ترتیب : ۱/۱-، ۴/۶- و ۱/۶- درصد میباشد .

مأخذ : ۱- بانک مرکزی ایران ، حسابهای ملی ایران ۵۶-۱۳۳۸ (تهران : بانک مرکزی ، ۱۳۶۵) صص ۹۶-۹۷ و ۱۱۵-۱۱۴ برای سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ .

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۳ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، (تهران : بانک مرکزی ، ۱۳۶۵) ص ۱۶۰ برای سال ۱۳۶۳ .

جداول مزبور نشانگر این واقعیت اندکه از سال ۱۳۴۵ به بعد ابتدا بخش کشاورزی چه از نظر ترکیب اشتغال و چه از نظر سهم ارزش افزوده آن در تولید ناخالص داخلی (G.D.P.) هر دو کاهش یافته است و این امر بویژه با افزایش سهم صنایع و معادن در کل ارزش افزوده پدیدار میشود . از سال ۱۳۵۵ به بعد با پیروزی انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی و تغییر مسیر سیاستهای دولت در جهت حمایت از بخش کشاورزی به مرور سهم آن افزایش یافته تا جائیکه به بیش از ۱۷ درصد رسیده است . اما علیرغم افزایش ارزش تولیدات کشاورزی و افزایش سهم آن در تولید ناخالص داخلی سهم آن در جمعیت شاغل کشور افزایش نیافته بلکه کاهش یافته تا میزان یک درصد نیز داشته است . یعنی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی کارآئی بخش کشاورزی رو به افزایش یافته است . یافته است و بخش کشاورزی تنها بخشی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان به رشد تولیدات خود ادامه داده است . (فقط سال ۱۳۶۲ استثناء است) .

در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی سهم کالاهای سنتی و کشاورزی در صادرات نیز افزایش یافته و به حد ۹۵ درصد صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۶۰ بالغ گشته و سپس در سال ۱۳۶۳ به ۸۱/۷ درصد کاهش یافته است.

گروه صنایع و معادن که در حسابهای ملی کشور، اساساً در برگیرنده بخشهای صنعت، معدن، برق، آب و گاز و ساختمان است. در دوران پس از افزایش درآمد نفت در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ به لحاظ سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید رشد قابل توجهی داشته و مالاً سهم آن در تولید ناخالص داخلی افزایش یافته، به بیش از ۱۸/۵ درصد رسید. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فرار سرمایه‌داران بزرگ و وابسته از کشور و سپس وقوع جنگ تحمیلی که همگی منجر به مشکلات عدیده‌ای در تامین مواد اولیه لازم و خدمات فنی مورد نیاز گشت، تولیدات این گروه کاهش یافت و در صدبیکاری در این گروه در صد قابل توجهی از بیکاران کشور را تشکیل داد. (۱) با افزایش قابل توجه صادرات و درآمد نفت در سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ و متعاقب آن افزایش واردات کالاهای مواد اولیه و واسطه‌ای، ارزش تولیدات گروه صنایع و معادن از سال ۱۳۶۲ به بعد رشد قابل توجهی یافته، سهم این گروه در صادرات غیرنفتی نیز افزایش یافت. بطوریکه فقط صادرات کالاهای صنعتی از رقم ۱۳/۲ میلیون دلار در سال ۱۳۶۰ به رقم ۲۷/۳ میلیون دلار در سال ۱۳۶۳ افزایش یافت و سهم آن در کل صادرات غیرنفتی کشور بالغ بر ۷/۶ درصد گردید. (۲)

(۱): سازمان برنامه و بودجه، اشتغال و بیکاری در ایران ۱۳۵۹ - ۱۳۵۵ (تهران: برنامه و بودجه، ۱۳۶۱).

(۲): فرشته‌امامیان، "صادرات غیرنفتی شناخت تنگناها"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی (آبان ماه ۱۳۶۶) ص ۵۱.

افزایش درصا درات کالاهای صنعتی بویژه پس از سالهای افزایش بهای نفت، درآمد ارزی و بالمال میزان واردات، قوت گرفت یعنی از رقم ۱۰۵/۷ میلیون دلار در سال ۱۳۵۲ به رقم ۱۶۳/۱ میلیون دلار در سال ۱۳۵۳ پرش داشت و سهم آن از ۱۶/۶ به ۲۸ درصد درات کالای افزایش یافت. سبقت گرفتن رشد تولیدات صنعتی از رشد تقاضای داخلی در این سالها، باعث علاقه به افزایش درات اینگونه کالاهای گردید. در حالیکه مصرف بیشتر کالاهای سنتی و کشاورزی توسط تولیدکنندگان آنها به تنها رشد کمتر که اصلاً کاهش درات اینگونه کالاهای را بدنبال داشت، بطوریکه درات کالاهای سنتی و کشاورزی هرگز تا سال ۱۳۵۸ به سطح ۱۳۵۲ نرسید. بعلاوه پس از سالهای افزایش بهای نفت و درآمد ارزی حاصل از آن برای کشور و تلاش در افزایش هرچه بیشتر اینگونه درآمدها، سهم صادرات غیر نفتی در کل درات کاهش یافت و صادرات کالای غیر نفتی - اساساً اهمیت خود را بعنوان یک بخش اقتصادی از دست داد. (۱)

به: قیمت‌های جاری

سال	سهم نفت در صا درات کشور	سهم "سایر"
۱۳۳۹/۱۹۶۰	۸۵/۷	۱۴/۳
۱۳۴۴/۱۹۶۵	۸۷/۲	۱۲/۸

(۱): اگر بر مبنای قیمت‌های ثابت سال ۵۳ محاسبه شود سهم نفت بیشتر از ارقام مذکور است اما علی‌رغم استفاده از آن در بسیاری از مقالات و منجمله مقاله "الگوی تجارت خارجی" مندرج در اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۹، تصویر واقعی از ترکیب صادرات ایران بدست نمی‌آید. با افزایش چندبرابرانه بهای نفت در سالهای ۵۲ و ۵۳ عملاً محاسبه سهم از ارقام صادرات به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۵۳ باعث بزرگ‌نمایی غیر واقعی سهم نفت در کل صادرات سال‌های قبل از آن خواهد شد. استفاده از مبنای قیمت‌های ثابت یکسال معین، اساساً برای محاسبات نرخ رشد واقعی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

۱۰/۱	۸۹/۹	۱۳۴۹/۱۹۷۰
۲/۹	۹۷/۱	۱۳۵۴/۱۹۷۵
۵/۷	۹۴/۳	۱۳۵۹/۱۹۸۰
۲/۰	۹۸/۰	۱۳۶۴/۱۹۸۵

ماخذ: I.M.F., International Financial Statistics
Yearbook 87. (Washington D.C.: IMF., 1987) PP
 402-403.

توضیح: ذکر معادل سالهای هجری شمسی در کنار سالهای میلادی از
 موسسه است.

بدین ترتیب با افزایش ارزش صادرات نفت و حکومت بلامنازع
 آن در ترکیب صادرات، اقتصاد کشور اساساً "متکی به درآمدهای ارزی
 حاصل از صادرات نفت گردید. این سیر، بجای اینکه هشدار بی-
 مسئولین و برنامه ریزان وقت کشور باشد عملاً "بعنوان واقعیتی شایسته
 نه چندان هم تلخ مورد قبول قرار گرفته است. و شاید اگر مساله کاهش
 بهای نفت در بازارهای جهانی و افول شدید درآمدهای ارزی کشور
 بویژه در شرایط جنگ تحمیلی و آسیب پذیری محموله های نفت در خلیج
 فارس - نه فقط برای ایران که برای کلیه کشورهای حاشیه
 خلیج فارس - پیش نمیامد، مساله نقش صادرات غیر نفتی در کسب
 صادرات کشور و در الگوی رشد و توسعه اقتصادی کشور نیز هرگز مطرح
 نمیگردید.

اتخاذ سیاستهای ارزی و بازرگانی متنوع و پیرانعطاف تر،
 از این زمان آغاز شد. هرچند که این سیاستها لزوماً "بر اساس
 برنامه های از پیش تدوین شده و یا الگوئی متناسب با اهداف نظام
 در بعد توسعه و رشد اقتصادی آن نبود و بیشتر رنگ روزمرگی داشت اما

کیفیت بارزان درپاسخ گوئی به مشکلات وقابلیت انعطاف در رابطه با
آزمون های عملی بود.

ازسال ۱۳۶۵ به بعدسیرعودی صادرات کالاهای غیرنفتی شروع
شد، بارشدهی نسبتاً " سریع وایمانی بسیار.

دراینجا مروری داشته باشیم برسیرمادرات کالاهای (ونه خدمت)
— بجزنفت — درکشور:

واحد: میلیاردریال

شاخص	مادرات غیرنفتی (کالا)	سال
۱۵	۹/۱	۱۳۳۹ (۱۹۶۰/۶۱)
۲۳	۱۳/۶	۱۳۴۴ (۱۹۶۵/۶۶)
۳۷	۲۱/۸	۱۳۴۹ (۱۹۷۰/۷۱)
۶۹	۴۱/۳	۱۳۵۴ (۱۹۷۵/۷۶)
۱۰۰	۵۹/۵	۱۳۵۹ (۱۹۸۰/۸۱)
۶۹	۴۱/۲	۱۳۶۴ (۱۹۸۵/۸۶)
۱۱۳	۶۷/۷	۱۳۶۵ (۱۹۸۶/۸۷)
۱۳۰	۷۷/۷	۱۳۶۶ (۱۹۸۷/۸۸)

ماخذ: — بانک مرکزی، اداره حسابهای اقتصادی، حسابهای ملی ایران

۵۶ — ۱۳۳۸ (تهران: بانک مرکزی، ۱۳۶۰) صص ۴۴۸ — ۴۴۹
برای سالهای ۱۳۳۹ — ۱۳۵۴ و

— گمرک ایران، تراز تطبیقی بازرگانی خارجی کشور دردوازده
ماهه سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۶ (تهران: گمرک ایران، ۱۳۶۷)،
صص ۴ برای سالهای بعد.

توضیح: ذکر سالهای میلادی درکنار سالهای هجری شمسی از موسسه است.

سیرکاهشی شدید در صادرات غیرنفتی کشور که از سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ تحمیلی شروع شد و با ادامه جنگ و مشکلات کشور در تمام کالاهای واسطه و سرمایه‌ای لازم تشدید گردید، تاثیر مستقیم و بلاواسطه‌ای بر صادرات غیرنفتی کشور داشت. صادرات نفت نیز کاهش یافت بطوریکه از ۲۸۶۷ هزار بشکه در سال ۱۳۵۸ به ۹۱۱/۳ هزار بشکه در سال ۱۳۵۹ و به ۸۱۸/۴ هزار بشکه در سال ۱۳۶۰ کاهش یافت و درآمد ارزی حاصل از صادرات آن، از بیش از ۱۹/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۸ به ۱۱/۶ و ۱۱/۸ میلیارد دلار در سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ کاهش یافت. (۱)

از سال ۱۳۶۱ به بعد، صادرات نفت با پیروزیهای مستمر در جبهه‌های جنگ و موقعیت مستحکم کشور در جبهه‌ها و همچنین در تمام امنیت خلیج فارس، افزایش یافت و در سال ۱۳۶۲ به ۲ میلیون بشکه در روز رسید. (۲) در این سالها تا ۱۳۶۳ عمده توجه و تلاش دولت متوجه عادی کردن جریان نفت به خارج از کشور بود و صادرات غیرنفتی در حاشیه بخش صادرات هرچه باریک تر و کمتر میگردد. طوریکه شاخص ارزش کالاهای صادراتی کشور از عدد ۱۰۰ در سال ۱۳۵۹ به عدد ۶۹ در سال ۱۳۶۲ و به عدد ۵۵ در سال ۱۳۶۳ کاهش یافت، (۳) یعنی سالانه بطور متوسط حدود ۱۴ درصد کاهش داشت.

(۱): انجمن مدیران صنایع جمهوری اسلامی ایران، آمارهای منتخب برای مدیران صنایع (تهران: انجمن مدیران صنایع، ۱۳۶۱) صص ۱۳-۱۷.

ما خداصلی: بانک مرکزی، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۰.

(۲): بانک مرکزی، گزارش و ترازنامه سال ۱۳۶۳ (تهران: بانک مرکزی، بی تا) ص ۵۹.

(۳): گمرک ایران، پیشین، ص ۴.

کاهش تقاضا دربارها را با توطئه آمریکا در کاهش
بهای نفت در سال ۱۳۶۴ منجر به کاهش درآمدهای ارزی کشور شد بطوریکه
علیرغم کاهش مختصر صادرات در سال ۱۳۶۳ درآمدهای ارزی نسبت به سال
قبل ۳۳ درصد کاهش داشت. گرچه در سال بعد درآمدهای ارزی حاصل از صادرات
نفت مختصری بهبود یافت، لکن فشار موجود دربارها را نسبت به سیاست
سیاست سلطه جویانه حاکم بر بارها تقاضا و فروش، دولت را واداشت که
در جهت دور شدن از وابستگی به نفت گام‌هایی بردارد و در این راه اولین
تلاشها بکارگیری واحمال آنگونه سیاستهای ارزی و بازرگانی بود که
موجب تشویق صادرات کالاهای کشور میگردد و واردات کالاهای می‌کاست.
کاهش قدرت خرید دربارها به کاهش بارها را از میزان کاهش
شاخصهای آن در اینگونه بارها فراتر میرود. زیرا بهای نفت
معمولاً به دلار محاسبه و پرداخت میشود که ارزش دلار، دربارها را
جهانی ارزی سرنزولی داشته است و از سوی دیگر شاخصهای اغلب کالاهای
وارداتی روبه افزایش داشته است.

بدین ترتیب سیاست دور شدن از وابستگی به درآمدهای ارزی حاصل
از فروش نفت و انتخاب سیاست تا مین منافع ارزی لازم بطور عمده
از طریق درآمدهای حاصل از صادرات کالا و خدمت، خود از حدیک سیاست فراتر
است و چنانچه با جدیت به مرحله اجرا درآید تحولی را در بینش ما بسسه
بازرگانی و اقتصاد کشور بوجود خواهد آورد. سخن بصراحت تر آنکه،
حفظ و استمرار رشد صادرات غیرنفتی در بلندمدت موقوف به حل مساله
صادرات در الگوی توسعه و رشد اقتصادی کشور است. دورنمای آینده
چنانچه روشن و موفقیت آمیز باشد شکستهای مقطعی و مرحله‌ای را میتوان
جبران نمود اما چنانچه دورنمای آینده روشن نباشد موفقیت‌های

کوتاه مدت و مرحله‌ای را نیز نمیتوان پربها داد و روی آن ایستادگسی نمود.

قبل از اینکه در این مقاله به جمع‌بندی و ارائه سیاستهای پیشنهادی بنشینیم، لازم است نگاهی به سهم صادرات کالا - غیرنفت - در تولید ناخالص داخلی، ترکیب صادرات غیرنفتی و سیر صادرات فرآورده‌های کارخانه‌ای بیفکنیم.

واحد: میلیارد ریال جاری

سال	صادرات غیرنفتی	تولید ناخالص داخلی (G.D.P.)	سهم صادرات غیرنفتی در تولید ناخالص داخلی
۱۳۳۹	۹/۱	۳۲۸/۴	۲/۸
۱۳۴۴	۱۳/۶	۴۷۸/۲	۲/۸
۱۳۴۹	۲۱/۸	۷۷۱/۴	۲/۸
۱۳۵۴	۴۱/۳	۱۷۶۳/۸	۲/۳
۱۳۵۹	۵۹/۵	۶۹۲۶/۰	۰/۸۶
۱۳۶۴	۴۱/۲	۱۵۳۰۵/۸	۰/۲۷
۱۳۶۵	۶۷/۷	۰۰۰	۰۰۰
۱۳۶۶	۷۷/۷	۰۰۰	۰۰۰

ماخذ: I.M.F., International Financial Statistics Yearbook 87. (Washington D.C.: IMF, 1987), PP 402-403. (برای آمار پایه)

توضیح: از آنجا که روند تغییرات شاخص بهای کالاهای صادر شده بارونند کل شاخص بهای عمده‌فروشی هماهنگی کلی داشت برای محاسبه مذکور از قیمت‌های جاری صادرات و تولید ناخالص داخلی استفاده گردید.

رشد صادرات غیرنفتی حتی از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی غالب یابین تر بوده که باعث کاهش سهم آن بطور مستمر شده است و احتمالاً شاید تنها در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ که متأسفانه دسترسی به سهم مزبور غیرممکن بوده است این سهم افزایش یافته باشد.

چنانچه ملاحظه میشود در بهترین سالها نیز سهم صادرات به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی نرسیده است و اگر این رقم را با رقم هائیک نظیر ۳۰ درصد در کره جنوبی یا بیشتر در سنگاپور مقایسه کنیم دیده میشود که صادرات در ترکیب تقاضای کالدر کشور نقش چندانی بعهده ندارد.

در رابطه با نقش صادرات در الگوی توسعه و کیفیت آن بحسب ترکیب صادرات نیز جایگاه ویژه ای دارد در این مدت صادرات کالای کشاورز - بجز نفت - عمدتاً "محدوده فرش، پسته و منابع معدنی بسوده است. و در سالهای اخیر که صادرات غیرنفتی با توجه به درصدهای معافیت از فروش ارز آن به نرخ رسمی بانک مرکزی مختصر افزایش داشته است. کالاهای دیگری نظیر میوه و تره بار را نیز در بر گرفته اما هیچگاه بنیان صادرات کالدر کشور بر صدور کالاهای فرآورده های صنایع کارخانه ای قرار نگرفته است. سهم گروههای سه گانه کالای در صادرات کشور طبقی سالهای مورد بررسی بشرح ذیل میباشد:

سال	سهم گروههای مختلف کالدر صادرات کشور		
	کالاهای سنتی و کشاورزی	کلوخه های کانی فلزی	کالاهای صنعتی
۱۳۵۲	۷۹/۶	۳/۸	۱۶/۶
۱۳۵۴	۶۹/۹	۵/۵	۲۴/۶
۱۳۵۹	۹۳/۳	۳/۰	۲/۷

۱۰۰/۰	۷/۶	۱۰/۷	۸۱/۷	۱۳۶۳
۹۷/۰	۹/۰	۹/۰	۷۹	۱۳۶۴
۹۴/۰	۲/۰	۳	۸۹	۱۳۶۵
۹۸/۰	۷/۰	۳	۸۸	۱۳۶۶

ماخذ: ۱- اطلاعات آماری ، هفته نامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، شماره ۳ (خرداد ماه ۱۳۶۷)، ص ۴۱.

۲- فرشته امامیان ، پیشین ، ص ۵۱.

۳- محمد علمی ، گزارش بررسی وضع صادرات کشور در سال ۱۳۶۴ (اردیبهشت ۶۵) مرکز توسعه صادرات ایران، ص ۳.

*: اختلاف جمع ارقام با ۱۰۰ در سالهای ۱۳۶۴-۱۳۶۶ مربوط به سهم " سایرکالاها " است که در طبقه بندی گروه های کالایی مرکز توسعه صادرات آورده میشود. برای سالهای قبیل، از طبقه بندی کالایی گمرک در مورد صادرات استفاده شده است. طبق توضیح مرکز توسعه صادرات " سایرکالاها " بیشتر ، کالاهای صنعتی میباشند (این ارقام برآورد مرکز توسعه صادرات میباشند).

جدول مذکور بیانگر دو واقعیت است اول اینکه سالهاست که بجز نفت ، کشور کالاهای مهمی جزممان کالاهای سنتی و کشتا ورزی صادر نمی کند و دوم اینکه صادرات کالاهای صنعتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به دیگر کالاهای صنعتی گرفته است. اگر سهم " سایرکالاها " را تماما به سهم کالاهای صنعتی اضافه کنیم سهم کالاهای مزبور در سالهای ۱۳۶۴ ، ۶۵ و ۶۶ به ترتیب ۱۲ ، ۸ و ۹ درصد خواهد شد که هنوز با ارقام ۲۴/۶ و ۱۶ درصد در سالهای قبل از انقلاب فاصله بسیار دارد. از دلایل مهمی که در سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۶ سهم نسبتا " بهتری را برای صادرات کالاهای صنعتی تضمین نمود افزایش بیشر از

نیز داخلی تولید اینگونه کالاها در سالهای مذکور بود. در این سالها صنایع مونتاژ و تولید کالاهای مصرفی کارخانه‌ای با افزایش واردات کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه و سرمایه‌ای لازم توسعه‌ای شایان توجه یافت. (۱) در حالیکه تقاضا و مصرف داخلی در جذب اینگونه کالاها بدان سرعت تحول نمی‌یافت و آن بخشی از جمعیت هم که الگوی مصرف خود را بسرعت متحول ساخته بود اساساً " تسلیم کامل فرهنگ غرب بود و بنا بر این متمایل به مصرف کالاهای وارداتی ویا کالاهای با علامت و مارک خارجی. صادرات کالاهای سنتی و کشت و ریزی طی سالهای ۱۳۵۲-۵۶ علیرغم اینکه تولیدات آنها هیچگاه به قیمت ثابت، کاهش فاحش نیافت. (۲) و بلکه از سیر تدریجی افزایش، نیز برخوردار بود. کما " کاهش داشت و این امر اساساً " بدلیل افزایش جاذبه با زار مصرف داخلی این نوع فرآورده‌ها و کاهش جاذبه با زار صادرات در کل بود. دولت نیز بعنوان یک عامل نیا ز چندانی به حمایت از صادرات اینگونه کالاها که سهم بسیار ناچیزی در کل صادرات کشور داشتند نمی‌دید.

مقایسه درصد تغییرات سالیان در درآمد واقعی (تولید ناخالص داخلی " G.D.P. " بقیمت ثابت ۱۹۸۵) در کنار درصد تغییرات حاصله در صادرات گروههای کالائی مزبور بشرح جدول زیر است :

درصد تغییر در صادرات گروه کالاهای

سال	درصد تغییر در درآمد واقعی	سنتی و کشاورزی	صنعتی
۱۳۵۱ (۱۹۷۲/۳)	-	-	-

(۱) برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، نظری اجمالی به جنبه‌های اقتصادی تورم، ویرایش دوم (تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ص ۱۱۰ و ۲۵۷. در سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۲ تولید صنعت بقیمت ثابت حدود ۶۳ درصد و سالیان به بطور متوسط حدود ۱۳ درصد افزایش داشته است.

(۲) همان جا.

۳	۵۹	۱۲	(۱۹۷۳/۴) ۱۳۵۲
۵۴	-۲۴	۷/۸	(۱۹۷۴/۵) ۱۳۵۳
-۱۱	۷	۱/۲	(۱۹۷۵/۶) ۱۳۵۴
۴/۷	-۹	۱۸/۳	(۱۹۷۶/۷) ۱۳۵۵
-۶	+	۲/۸	(۱۹۷۷/۸) ۱۳۵۶
۱۳	-۳	-۱۳	(۱۹۷۸/۹) ۱۳۵۷
-۵۹	۹۶	-۹	(۱۹۷۹/۸۰) ۱۳۵۸
-۶۴	-۱۷	-۱۴	(۱۹۸۰/۱) ۱۳۵۹
-۴۵	-۴۷	۱/۵	(۱۹۸۱/۲) ۱۳۶۰
۶۱	۱۱	۱۵	(۱۹۸۲/۳) ۱۳۶۱
۲۲	-۱۰	۱۳	(۱۹۸۳/۴) ۱۳۶۲
۵	-۷	+	(۱۹۸۴/۵) ۱۳۶۳
۶۰	۲۰	-۱/۵	(۱۹۸۵/۶) ۱۳۶۴
۵۸	۸۳/۲	۰۰۰	(۱۹۸۶/۷) ۱۳۶۵

I.M.F., Opcit. P 403.

ماخذ: ۱-

برای درصدتغییرات درآمد
 ۲- الف: فرشته امامیان، پیشین، ص ۵۱، ب: اتاق بازرگانی
 و صنایع و معادن، پیشین ص ۴۱، ج: محمدعلمی، پیشین، ص ۱۲.
 برای درصد تغییر در صادرات.

از ارقام جدول مزبور به نتایج ذیل میتوان دست یافت:

درصدهای بزرگ تغییرات درآمد واقعی و صادرات کالاهای
 سنتی و کشاورزی مختلف العلامه اند یعنی با افزایش حدود ۸ درصد درآمد
 واقعی، صادرات کالای کشاورزی و سنتی ۲۴ درصد کاهش یافته یا در سال
 ۱۳۵۵ با افزایش مجدد درآمد واقعی، بمیزان ۱۸/۳ درصد صادرات

کالا‌های کشاورزی و سنتی ۹ درصد کاهش یافته است. در سال ۱۳۵۸ با کاهش ۹ درصد در میزان درآمد واقعی، صادرات کالا‌های سنتی و کشاورزی ۹۶ درصد افزایش یافت. سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۴ نیز خود نمونه‌های بارزی از همین واقعیت‌اند. بدان معنی که با افزایش بالنسبه قابل توجه در درآمد واقعی جامعه، تقاضا و مصرف علیرغم کم‌کاهش بودن تقاضای اغلب کالا‌های کشاورزی (فرش، صنایع دستی که اجزای اصلی کالا‌های سنتی را تشکیل می‌دهند چنین نباید باشد و معمولاً" تقاضای آنها با کاهش است) در حد قابل توجهی افزایش می‌یابد که خود بخود قیمت بازاری داخلی اینگونه کالاها و سودآوری فروش داخلی آنها را افزایش می‌دهد. این امر باعث می‌گردد که جذب صادرات نسبت به فروش داخلی پائین آید و بنا بر این صادرات اینگونه کالاها نسبت به سال قبل کاهش پذیرد (افزایش‌های غیر قابل توجه را در سال‌های پس از کاهش‌های شدید نباید به صرف مخالف بودن علامت دلیل برد مدعی مزبور گرفت).

اما از سوی دیگر از آنجا که افزایش درآمد واقعی جامعه می‌تواند تولید ناخالص داخلی واقعی اغلب ناشی از افزایش درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام می‌باشد و این نوع درآمدها عمدتاً "بشکل ارزبیه کشور سرزیر می‌شود. لذا است که همیشه تسهیلات وارداتی و افزایش واردات را در پی داشته و اغلب رشد تولیدات صنعتی را به همراه آورده که نهایتاً "به افزایش بیشتر صادرات کشور منجر گردیده است. و با کاهش درآمد واقعی که بطور عمده ناشی می‌آید همراه با کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت بوده است، تولید و صادرات صنعتی نیز کاهش پذیرفته است و تلاش‌های مقطعی مسئولین صادراتی کشور برای جلوگیری از این روند اغلب موثر نبوده است اگرچه از شدت آن کاسته باشد.

رشد صادرات کالاهای صنعتی از سال ۱۳۶۱ به بعد همچنان ادامه داشت. این سیر از سال ۱۳۶۴ به بعد با اتخاذ سیاست تسهیل صادرات غیرنفتی و ایجاد مکاناتی در تخفیف پیمان ارزی و کاهش تعهدات درکنندگان در فروش ارز حاصل از صادرات به قیمت رسمی به بانک مرکزی عملاً تحسول جدیدی را برای صادرات غیرنفتی ایجاد کرده است. افق سود و درآمد صادرات کالابسیار روشن تر است. بنا بر این تجار علاقه شدیدی به امر صادرات ابراز می نمایند.

آنچه بیش از هر چیز میتواند در تفسیر ارقام و آثار موجود بازرگانی غیرنفتی کشور موثر باشد درک این واقعیت است که نوسانات در صادرات کشور، در هیچ زمانی پیش بینی شده و طبق برنامه نبوده است و متأسفانه صادرات غیرنفتی، کمتر به جد گرفته شده است و به جز اقلامی نظیر فرش و پسته که اهمیت صادرات آنها در کل صادرات کشور نیز اساساً " بلحاظ فرهنگی و طرح غرور ملی بوده است تا ارزش پولی آنها، صادرات غیرنفتی حدیث پرتنینی را در بازرگانی و اقتصاد کشور نقل نکرده است.

در سال ۱۳۶۶ که رکوردی را در صادرات غیرنفتی کشور دارد. ارزش صادرات غیرنفتی از یک میلیارد دلار فراتر رفت رقمی که با وجود اعمال مشوق های گوناگون هنوز تا رقم حاصل از صادرات نفت فاصله بسیار دارد و این دقیقاً " باین معنی است که اگر درست بود اگر هم نبود واقعیت بود که اهمیت نفت در اقتصاد کشور بحدی بوده که اختصاص بخش جداگانه ای را بدان زیبنده مینمود، پس در راه توسعه صادرات کشور و تامین نیازهای ارزی از این راه نیز، راهی جز این نیست که صادرات غیرنفتی بخش اول بازرگانی خارجی و بخش اساسی اقتصاد کشور گردد.

بدین منظور کشور با ید در تخصیص منابع ملی خود ابتدا هدفهای صادراتی را مدنظر قرار دهد. سرمایه‌گذاریهایی لازم چه در زمینه فراهم آوردن تسهیلات زیربنائی مورد نیاز صنایع صادراتی و چه در رابطه با بازارهای گسترش بازارهای صادراتی و چه در زمینه تحقیق و نوآوری در تکنولوژی و بهره‌برداری از منابع صورت پذیرد. چنین برخوردی با صادرات بمعنای تعریف نسبتاً " دقیق رابطه صادرات با الگوسوی توسعه و رشد اقتصادی کشور است. یعنی سیاست‌گذاری صادرات باید از روزمرگی در آید و دورهایی از روزمرگی تنها با تکیه به برنامه‌ریزی امکان پذیر است، و برنامه‌ریزی هماهنگ و علمی - یعنی تعریف شده - صادرات، موکول به تعیین جایگاه آن در الگوی توسعه است.

بدین ترتیب همچنان که در ابتدای مقاله آمد مبرخورد علمی و کامل با بازرگانی خارجی و تعیین جایگاه آن در برنامه‌های توسعه اقتصادی و صنعتی کشور بسیاری از متغیرهای دیگر اقتصاد و سیاست اقتصادی را نیز سمت خواهد داد. مثلاً " نوع تکنولوژی مناسب برای مورد نیاز، چگونگی بسط و پیشبرد تکنولوژی وارد شده، اولویتهای تولید و فروش و مصرف در بخش کشاورزی و صنعت، چگونگی تامین سرمایه‌های مالی و انسانی مورد نیاز تعیین خواهد شد.

بی‌تردید در شرایط فعلی بدون صادرات نفت، اقتصاد و بازرگانی کشور فلج میگردد و صادرات غیرنفتی علیرغم رشد قابل توجه خود در سالهای اخیر چه از لحاظ ساختار و چه از لحاظ زمینه‌های توسعه و امکانات بهبود در وضعیت نیست که در کوتاه مدت برای آن جهشی را بتوان متصور شد. عاملین صادرات نیز اعم از مسئولین و بخش خصوصی کشور در شرایطی قرار ندارند که بتوان از صادرات غیرنفتی امید کسب

موفقیت‌های معجزآمیز متداوم داشت. بخش خصوصی که با توسعه فعلی صادرات، جذب آن می‌گردد فاقد تجربه و متانت کافی در حرفه خود می‌باشد و اساساً "بفکر این است که سودی بالا از این راه کسب نماید و چنانچه شرایط، کمی نامناسب گردد فوری سرمایه خود را به حرفه دیگری خواهد زد. همین روحیه در بخش خصوصی مانع سرمایه‌گذاری این بخش در صادرات گشته، بخش عمده آنها تا مین تسهیلات زیربنایی لازم را که برای تداوم صادرات و حفظ و توسعه بازارهای صادراتی جنبه حیاتی - بویژه در مورد محصولات کشتا و رزی و سنتی - دارد و وظیفه دولت تلقی می‌نمایند. وضعیت کشتا و رزی و صنعت در کشور در شرایط فعلی درخشان نیست و آمادگی لازم را برای هماهنگی با برنامه‌های صادراتی بلندپروازانه ندارند. رشد تقاضای محصولات کشتا و رزی و غذایی بدلیل افزایش سریع جمعیت کشور و آثار انبساطی بودجه دولت - که بارش شدید کسری بودجه و اتکاء هرچه بیشتر در تامین آن از طریق منابع بانک مرکزی مواجه بوده و از دلایل اساسی افزایش نقدینگی بخش خصوصی و فشارهای تورمی است. اما حتی در صورت تعادل ظاهری درآمدها و هزینه‌ها نیز این آثار انبساطی موجود است - با لاست (۱) عرضه محدود است و تقاضا با لا در عرصه تامین کالاهای اساسی اغلب از عهده تامین تقاضا و نیاز مردم بر نمی‌آید.

بخش صنعت نیز بلحاظ تامین کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای

(۱): برای اطلاعات توضیح بیشتر ر.ک. به:

بانک مرکزی، اداره بررسیهای اقتصادی، "بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب" (تهران: بانک مرکزی، بی‌تا)

ص ص ۳۱۷ - ۳۲۳ و

بانک مرکزی، گزارش اقتصادی و ترازنامه، سالهای مختلف.

لازم شدیدا " به درآمدارزی نفت وابسته است و درزمینه لـوازم خانگی ، تهیه لوازم و تجهیزات حمل و نقل و فلزات اساسی و لوازم ساختمانی ازعهدہ نیاز داخلی کشور نیز برنمی آید . بنابراین حتی تصور تغییر تکیه گاه اقتصاد کشور از نفت به صادرات غیرنفتی در کوتاه مدت باطل است و جزلطمه به بازار داخلی و اقتصاد کشور ثمره پایداری دربرنخواهد داشت . اما در کوتاه مدت میتوان همچنانکه درسالهای اخیر نیز انجام گرفته با ایجاد تسهیلات و مشوق های لازم ، درآمدهای صادراتی کشور را از تنوع منابع بیشتری برخوردار کرد .

ماخذ مورد استفاده

))))))))))))))))))))))

الف : فارسی

oooooooooooo

- اما میان ، فرشته . صادرات غیرنفتی، شناخت تنگناها . اطلاعات سیاسی - اقتصادی ، آبان ماه ۱۳۶۶ .
- انجمن مدیران صنایع جمهوری اسلامی ایران . آمارهای منتخب برای مدیران صنایع . تهران: ۱۳۶۱ .
- بانک مرکزی . اداره حسابهای اقتصادی . حسابهای ملی ایران ۵۶ - ۱۳۳۸ . تهران: بانک مرکزی، ۱۳۶۰ .
- بانک مرکزی ، گزارش اقتصادی و ترازنامه سالیانه . تهران : بانک مرکزی ، سالهای مختلف .
- بانک مرکزی ، اداره بررسیهای اقتصادی . بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب . تهران: بانک مرکزی ، بی تا .
- سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان . بررسی مقدماتی مسأله اشتغال و بیکاری . اصفهان: سازمان برنامه و بودجه ، ۱۳۶۴ .
- سازمان برنامه و بودجه . اشتغال و بیکاری در ایران ۱۳۵۹ - ۱۳۵۵ . تهران : برنامه و بودجه ، ۱۳۶۱ .

علیزاده، محمد. مقدمه‌های پرمسایل نیروی انسانی و اشتغال ایران.
 تهران: برنامه و بودجه، ۱۳۶۱.
 علمی، محمد. گزارش بررسی وضع صادرات کشور در سال ۱۳۶۴. تهران:
 مرکز توسعه صادرات ایران، اردیبهشت ۱۳۶۵.
گمرک ایران. تراژتبیقی بازرگانی خارجی کشور در دوازده ماهه
سالهای ۱۳۵۹-۱۳۶۶. تهران: گمرک ایران، ۱۳۶۷.
 هفته‌نامه‌ها تا ق بازرگانی و صنایع و معادن ایران شماره ۳، خردادماه ۱۳۶۷.
 موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. نظری اجمالی به جنبه‌های
اقتصادی تورم. ویرایش دوم. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۵.

ب: انگلیسی
 ○○○○○○○○○○○○○○○○○

International Monetary Fund (I.M.F.).
International Financial Statistics Yearbook 1987.
Washington: 1987.

یوکسلاوی

از سرانجام ملت‌ها تا امروز
 در فصل ۵۱۷ شماره ۲۱۵

در بخش‌های مختلف این گزارش، وضعیت اقتصادی، وضعیت جغرافیایی، وضعیت سیاسی، وضعیت نظامی، روابط بینایی و فرهنگی در دو ایالت اقتصادی یوکسلاوی جمهوری اسلامی ایران، در بزرگ‌ترین دولت.

ملاقات دیدار بین گروهی مستقیم با وزیر صنعت ۱۱۰۰۰ ریال به شماره ۲۸۹۹ بانک ملی ایران
 کریم خان نند در سال پیش یکی از کارآفرینان خود را به دلیل عدم پرداخت به موقع در میان
 کریم خان نند از صنعت شمالی پاکستان ۲۷۱۱ آرزو بسیار فرزند.

روزنامه‌های
 وزارت اطلاعات و پژوهشهای دانشگاه